



بنیادی ترین نقصان سیاست خارجی ایران

۱۷۹ | هفته نامه | ۱۵ آذرماه ۱۴۰۲ | سال ششم | ۸ صفحه | ۴۰۰۰ تومان

افق اقتصاد

وقتی بیش از ۷ هزار موسسه و تعاونی
غیرمجاز در دوده گذشته شکل گرفتند!

آتش زیر خاکستر در نظام بانکی

صفحه ۲ را بخوانید

ساختن مزارع مرتفع
سرپوشیده؛ از حومه شهر تا
بناهای بلااستفاده



کشورداری
مبتنی بر عدد و عقلانیت

خوش گذراندن
فقط یک لذت ساده نیست!

صفریک

آب های زیرزمینی؛ از شکوه تا افول

مهتاب بذرافکن

از همین زمان امور آب از دست جامعه محلی و خرد جمعی حاکم بر آن خارج شده و به دست مهندسان افتاد و بخش ارتباط انسانی آن با جامعه کاملاً از بین رفته و نگرش سازه‌سازان و مهندسان بر نگرشهای اجتماعی غلبه کرده و سیستم‌های اجتماعی فروپاشیده و فراموش شدند.

در این زمان نه تنها بهره‌برداران بی‌سواد و کم‌سواد بلکه نظریه‌پردازان و سیاستمداران هم می‌پنداشتند که منابع آب نامحدود است و از این رو علاوه بر نفوذ نگرش‌های غلط درباره آب‌های زیرزمینی؛ تدوین قوانین جدید تحت تاثیر تکنولوژی جدید نیز خود عاملی شد که بیش از پیش پیوند اجتماعی و فرهنگی میان مردم و آب را قطع کرد. در سیاست‌گذاری جدید سیستم مشارکتی کاملاً حذف و سیستم دستوری جایگزین شد و به این وضعیت بحرانی رسید که هم اکنون با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم.

کانال آب

اما کم‌کم جای خود را باز کرد. نکته مهم و قابل توجه و تامل این است که ورود فناوری آب مانند بقیه فناوری‌ها در ایران با مساله تاخر فرهنگی روبرو شد. تاخر فرهنگی یعنی ورود تکنولوژی بدون آمادگی جامعه برای پذیرش آن. این مساله باعث شد که کل آینده آب‌های زیرزمینی در ایران به خطر بیفتد.

با کشف این مساله که با دریل‌های چاه‌کشی و پمپ‌های آب به راحتی می‌توان به آب‌های زیر زمینی دست یافت موجب شد که قداست و ارزش آب کمرنگ شده و آب که پیش از این با فرهنگ و جامعه رابطه و پیوند محکم و مسئولانه‌ای داشت کم‌کم گسسته شود و موجب تغییر نگرش «مشارکتی» به «هرکسی برای خود» شده و آب و آبیاری که امر اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر مشارکت و مسئولیت‌پذیری و کنشی برای منافع جمعی بود، به امری فردی و سودجویی فردی تبدیل و پیوند محکم و مسئولانه آب و مردم گسسته شد.

مثلاً سیستم بنه مبتنی بر مشارکت، همکاری و تنیدگی فرهنگی و خویشاوندی بود و سازگاری با کم‌آبی ایجاب می‌کرد که چنین سازماندهی شکل گیرد. چرا که نظام آبیاری طوری بود که به دلیل عدم دسترسی به فناوری‌هایی که آب را راحت به مزارع برساند یا قنات را لایه رویی کند، همه باید مشارکت می‌کردند تا آب رسانی معیشتشان را تامین کند. بنه نیز قواعد و سلسله مراتب خود را داشت. با این که در آن تقسیم کار و منافع عادلانه نبود، اما همه افراد تحت بنه حتی ضعیف‌ترین‌ها نیز تحت حمایت بوده و بنه یک تامین اجتماعی و اقتصادی برای افراد داشت که بعد از اصلاحات ارضی به دلیل خودمحموری و گسست روابط و شبکه‌های ارتباطی از دست رفت.

از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۶ کم‌کم دریل‌های چاه‌کشی و ماشین‌آلات مختلف بدون تشریفات گمرکی تحت عنوان فناوری وارد ایران شد. این ابزار ابتدا برای دهقانان ایرانی جذاب نبود و از آن استقبال نشد.

عامل آب و آبیاری یکی از اصلی‌ترین کلیدهای فهم و درک جامعه روستایی ایران است. نظام آبیاری مجموعه از روابط تولیدی و اجتماعی پیچیده‌ای در روستاها رقم زده که تا به امروز نیز ادامه دارد. مطالعه تاریخ اجتماعی ایران نشان می‌دهد که انواع مالکیت تا قبل از اصلاحات ارضی شبکه پیچیده‌ای از روابط ایجاد کرده و تفاوت‌های زیادی در عرف با هم داشتند، اما در همه این روابط «آب» محور وفاق اجتماعی و سازگاری مردم بوده و آنها با آب پیوند عاطفی و اجتماعی داشتند که آنها را برای ادامه حیات دور هم جمع کرده و با مشارکت جمعی مبتنی بر آب روزگار می‌گذراندند. سیستم بنه یکی از قابل توجه‌ترین این وفای اجتماعی و مشارکت اقتصادی بود. بنه یک نوع سازگاری با اقلیم و کم‌آبی در شرایط سخت فلات کم‌آب ایران بوده و بیشتر در شرق ایران گسترش داشت.

افق اقتصاد

Ofogheghetesad.com

Ofogheghetesad

دلیل چالش‌سازی برای اتاق بازرگانی

مصطفی هاشمی طبا | وزیر اسبق صنایع



بی تردید وجود تشکلهای صنفی و مردمی می‌تواند رابطنی بین حاکمیت سیاسی کشور و مردم باشد و در تمام دنیا و بخصوص کشورهای پیشرفته از این امکان نهایت استفاده شده است، این تشکلهای در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، صنعتی، ورزشی و امور مشابه فعالیت می‌کنند و در حقیقت همواره باری از دوش دولت‌های مربوطه برداشته‌اند. در کشورهای هنوز توسعه‌نیافته دولت‌ها خود را ابر قدرت می‌دانند و مایل‌اند به همه امور مردم دخالت کنند. همین دخالت در همه امور باعث می‌شود که به کارهای اساسی که به صورت بدیهی از وظایف آنان است غافل بمانند و به دلیل گستردگی کار دچار مشکلات مختلف و از جمله کسری بودجه سنوایی شوند.

تدوین اصل ۴۴ قانون اساسی در زمان گذشته ناشی از همین تفکر بود و علیرغم آنکه در سیاست‌های اجرائی اصل ۴۴ موضوع به نحو دیگری منعکس شد؛ اما هنوز لایه‌های آن تفکر علیرغم تظاهر به انکار به مردم وجود دارد. تضعیف نهادهای مردمی موجب می‌شود که رغبت مردم و فعالان اجتماعی به حضور در صحنه کم‌رنگ شود و تنها نهادهای رسمی به خود صفت مردمی اطلاق کنند در حالی که دولت‌ها در کشور ما همیشه می‌خواهند سایه‌شان بر سر نهادهای خصوصی قرار گیرد. از جمله این نهادهای صنفی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران است که همواره دولت‌ها آرزوی تسلط بر آن را داشته‌اند و مایل‌اند فردی از جنس همان دولت بر اتاق حکم براند؛ در حالی که اعضای اتاق نوعاً افراد با تجربه، نخبه، کارآفرین و توانمند هستند و خود می‌توانند برای بخش‌های خصوصی تصمیم‌گیری کرده و دولت‌ها را از رهنمودهای خود بهره‌مند سازند. دولت‌ها خود را عقل منصف این آدم‌ها می‌دانند در حالی که دولت‌ها بر عکس باید آنان را عقل‌های منصف خود بدانند. آدم‌هایی که عمرشان را به پای کار و تلاش خود صرف کرده‌اند.

بهانه‌های لغو انتخابات اتاق بازرگانی به هیچ وجه قانع‌کننده نیست و صرفاً به دلیل آن است که فکر می‌کنند آدم با آدم‌های انتخاب شده، آدم آنها نیستند و الا با اندکی دقت و حد اکثر با اندکی غمزین می‌توانستند انتخابات را تحمل کنند و اتاق که همه چیز آن عیان است به کار خود بپردازد. می‌گویند که مدرس با پادشاهی رضاخان مقابله و مخالفت می‌کرد سرانجام رضاخان به مدرس گفت حرف حسابت چیست، می‌گویند مدرس به رضاخان گفت می‌خواهم تو نباشی. حالا حکایت همان می‌خواهم «تو نباشی» است و استدلال به برخی مقررات که درست هم نیست برای این است که می‌خواهند تو نباشی.

جامعه ایران همانند کاشی‌کاری‌های معرق مساجد و اماکن مترکه است؛ یعنی قطعات ریز و گاهی بی‌شکل و بی‌معنی وقتی در کنار هم می‌نشینند (به آن تکنیک معرق می‌گویند) آیه قرآن با حدیث یا طرحی اسلیمی بسیار با معنی و زیبا را می‌سازد. اگر فقط رنگ سبز یا آبی آن یا برخی قطعات انتخاب شود هرگز معنی یا اندیشه‌ای از آن مستفاد نمی‌شود. به این می‌گویند وحدت در کثرت. انتخاب برخی افراد ایران را رستگار نمی‌کند بلکه سطح معرق ایران متشکل از همه ایرانیان است که به ایران رستگاری ارزانی می‌دارد و نه فقط برخی آدم‌ها. به انتخاب مردم و گروه‌های صنفی و شغلی باید احترام گذارد.

دیدگاه

اتاق ایران

۲

اقتصاد

۱۵ آذرماه ۱۴۰۲ | سال ششم | شماره ۱۷۹



وقتی بیش از ۷ هزار موسسه و تعاونی غیرمجاز در دوده گذشته شکل گرفتند!

آتش زیر خاکستر در نظام بانکی

رفته است. چنانچه در مورد کشورهای دیگر تحقیق کنیم و آن را با وضعیت ایران مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که بانک‌داری خصوصی در کشورهای دیگر و حداقل تصدی‌گری دولت در اقتصاد، چنین فضایی را برای ورود موسسات و تعاونی‌های غیرمجاز در املاک‌داری، خرید پتروشیمی، خرید زمین و جابه‌جا کردن اعتبارات در قالب نیاز بخش‌های مختلف به تسهیلات بدون هیچ حساب و کتابی و حساب پس‌دانی، فراهم نمی‌کند. موسسات و تعاونی‌های اعتباری مانند علف‌های خودرو سبز نشده بودند که ندانیم چه اتفاقاتی دهه ۸۰ و ۹۰ را تا این میزان برای مردم پرهزینه کرد. این رفتارها حتی خود بانک‌ها را هم برای اینکه از موسسات مالی و اعتباری عقب‌نمانند، ترغیب به کارگیری شیوه‌های مشابه کرد.

البته که در حال حاضر سود بانکی پایین آمده و جذابیت سپرده‌گذاری در بانک‌ها از بین رفته است. نرخ حقیقی بهره هم منفی است. با این وجود، عوامل بحران مثل آتش زیر خاکستر فعال هستند؛ از جمله تسهیلات دهی غیرقاعده‌مند از طریق حمایت‌های خاص، تملک شرکت‌ها و خرید زمین و ورود به حوزه واردات و... اینجانب با عنوان کارشناس رسمی دادگستری، به تازگی پرونده‌ای را مطالعه کردم که نشان می‌دهد بحران بعدی پشت در بانک‌ها نشسته است.

سال‌ها پیش فردی برای راه‌اندازی یک کارخانه ۱۰ میلیارد تومان وام گرفته بود. ارزش زمین این کارخانه و تجهیزات داخل آن امروز ۲۹۸ میلیارد تومان است اما وام‌گیرنده به استناد هزینه‌هایی که برای راه‌اندازی کارخانه انجام داده و اختلاف آن با ارزش وام، مدعی ورشکستگی شده است. این در حالی است که این شخص فقط ۲ تا ۳ میلیارد تومان برای تجهیز کارخانه خود هزینه کرده بود و فعالیت تولیدی هم نداشت. متأسفانه دادگاه به استناد اینکه ارزش دفتری این شرکت منفی است، آن را ورشکسته اعلام کرده است. به این معنی که ارزش بدهی‌های شرکت از ارزش دارایی‌های آن بیشتر است اما نه فقط چنین اتفاقی نیفتاده بلکه این کارخانه و زمینش ۱۰ میلیارد تومان هزینه داشته است، امروز ۲۹۸ میلیارد تومان ارزش دارد. حالا اداره تصفیه امور ورشکستگی وارد عمل شده تا اموال کارخانه به فروش برود و طلب بانک پرداخت شود. این فرد هم اقساطش را پرداخت نکرده است و حالا صاحب پول باد آورده‌ای می‌شود که با آن وام به دست آورده بود. متأسفانه دگانی برای بهره بردن از منابع بانکی به راه افتاده است که جز تشدید ناترازی بانک‌ها و تسری بحران موسسات مالی و اعتباری به بانک‌ها حاصل دیگری ندارد. اگر امروز موسسات اعتباری را ادغام می‌کنیم، مشخص نیست که فردا چگونه می‌توانیم چند بانک ناتراز را با یکدیگر ادغام کنیم. / شاخص آنالیز

اسماعیل غلامی | معاون اسبق سازمان خصوصی سازی

برای درک ریشه‌های این بحران باید به رشد چند برابری تعاونی‌های اعتباری در دهه ۸۰ برگشت. در آن زمان، وزارت تعاون با مجور دولت وقت، برای فعالیت تعاونی‌های اعتباری، مجوز صادر کرد. رشد بی‌حساب و کتاب موسسات و تعاونی‌های اعتباری در دهه ۸۰ سرآغازی برای گسترش رانت در حوزه اقتصادی شد. تاپیش از این، نمونه‌های معدودی از فساد از طریق نظام بانکی وجود داشت که آن را در ادخال ۱۲۳ میلیارد تومانی در دهه ۷۰ دیدیم. اما در دهه ۸۰ و ۹۰ موسسات و تعاونی‌هایی که قرار بود، در زمینه پرداخت تسهیلات ارزان قیمت فعالیت کنند، در نظام اقتصادی برای خود صاحب قدرت و نفوذ شدند. آن‌ها در یک بازه زمانی کوتاه، به رقیب نظام بانکی در پرداخت سود به سپرده‌ها تبدیل شدند. در نهایت، در سال ۱۳۹۶ بحران بالا گرفت و نظام قضایی درواکنش به آن، شروع به افشای کرد. بانک مرکزی هم برای اینکه از دستگاه قضا عقب نماند، شروع به افشای کرد. امابرای درک ریشه‌های این بحران باید به چند برابری تعاونی‌های اعتباری در دهه ۸۰ برگشت. در آن زمان، وزارت تعاون با مجور دولت وقت، برای فعالیت تعاونی‌های اعتباری، مجوز صادر کرد. همین شروعی شد تا آن‌هایی که به دنبال خرید رانت از دل بازار پول بودند؛ به صورت غیرمجاز و به دور از مجوزهای قانونی بانک مرکزی، فعالیت کنند. تخمین زده می‌شود که بیش از ۷ هزار موسسه و تعاونی غیرمجاز در دهه ۸۰-۹۰ شکل گرفتند.

این مجوزها، قدرت این افراد را در خدمت نظام سیاسی گرفت تا شبکه‌ای از وابستگی برای خرید شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری در املاک خارج کشور، تسخیر و توزیع اعتبارات، خرید املاک و زمین‌های مرغوب در تهران، مشهد و... شکل بگیرد. به دنبال افشای سال ۱۳۹۶، به یکباره مردم برای پس گرفتن پول سپرده‌هایشان پشت در موسسات صف کشیدند اما به آن‌ها گفتند که تنها مقداری از سپرده‌هایشان را دریافت می‌کنند. برخی هم در آن مقطع پولی نگرفتند. اما در هر حال، شروع اعتراضات با افشای‌هایی که صورت گرفت، هدایت شد. البته در این میان موسسه ثامن‌الائمه که فعالیت خود را در قالب مجوز تعاونی از پیش از دهه ۸۰ مشهد آغاز کرده بود، مشکل خاصی نداشت و سپرده‌های مشتریان را به تدریج به آن‌ها بازگرداند. به هر روی در دهه ۹۰ بسیاری از این تعاونی‌ها و موسسات با یکدیگر ادغام شدند. به تازگی هم موسسه مالی و اعتباری نور که میراث ادغام تعاونی‌ها در ابتدای دهه ۹۰ بود، به بانک ملی

پلمب واحدهای تولیدی بر اساس بخشنامه خیلی محرمانه

صفر

دادگاه کشاند و بسیاری از اصحاب صنایع را به شهرستان‌ها تبعید کرد. وقتی درآمدهای نفتی شاه بی‌توجه به آثار منفی سیاست تزریق نقدینگی بر اثر سیاست‌های اقتصادی آن زمان تورم خود را نشان داد و قیمت‌ها رو به افزایش گذاشت شاه مصر بود که این اتفاق ریشه اقتصادی ندارد. بلکه فکری کرد غرض سیاسی پشت افزایش قیمت‌هاست. به بیانی دیگر، شاه می‌گفت قیمت‌ها بر اثر تورم افزایش نیافته بلکه کسبه، گران فروشی می‌کنند تا به اوضربه‌زبند. فریدون مهدوی این نظرات را تأیید کرد. برخورد سیاسی با بازاریان برای حکومت پهلوی گران تمام شد. اوضاع به قدری بد شد که شاه دستور داد مهدوی را بردارند. برداشتن و کاظم خسروشاهی را که از فعالان خوش‌نام اقتصادی بود به عنوان وزیر بازرگانی معرفی کردند. از زمانی که شاه متوجه اشتباه خود شد و کوتاه آمد و دست از سر بازار برداشت خیلی دیر شده بود. چنین رفتاری باعث دور شدن و ایجاد فاصله میان بازاریان و حکومت شد و به نوعی میان اصناف و مخالفان حکومت وقت همگرایی ایجاد کرد. به گمانم بخشنامه خیلی محرمانه وزارت کشور درباره تنبیه بازاریان به خاطر پوشش خانم‌ها، از سیاست سرکوب بازار به خاطر تورم در عصر پهلوی خطرناک‌تر است. امیدوارم تصمیم‌گیران کشور متوجه وخامت اوضاع شوند و بیش از این به کسب و کارها فشار وارد نکنند.

از آنها ناچار شده‌اند کسب و کار خود را رها کنند. این بازی برای کسب و کارها دو سر باخت است؛ اگر به حرف حکومت گوش کنند و تذکر حجاب بدهند، مردم تحریمشان می‌کنند و اگر نگویند به مارطی ندارد، حکومت تعطیلشان می‌کند. این یک بازی غیرمنصفانه است که در هر شکل، اهالی کسب و کار بازنده آن خواهند بود. این اقدامات آدم را یاد سیاست ویران‌گر تنبیه بازاریان در دهه ۱۳۵۰ می‌اندازد. در سال ۱۳۵۴ حزب رستاخیز صدها دانشجوی را به عنوان تیم‌های ناظر برای نظارت بر قیمت‌ها به بازار فرستاد تا علیه محتکران مبارزه کنند. اتاق‌های اصناف یادادگاه‌های صنفی که زیر نظر سازمان اطلاعات و امنیت کشور فعالیت می‌کردند، بیش از ۷۵۰ نفر را در سراسر کشور دستگیر کردند و بیش از ۶۰۰ مغازه تعطیل شد. هزاران دکان دار جریمه شدند و پروانه کسب صدها کاسب لغو شد و حداقل ۸۰۰ دکاندار را به گذاردن زندان‌های طولانی محکوم کردند. این اقدامات جز نارضایتی بازاریان نتیجه‌ای نداشت. اصناف در اجرای این اقدامات، با دولت همکاری نکردند، در نتیجه وزیر بازرگانی وقت ۱۷ تن از رهبران برجسته آنان را از عضویت اتاق اصناف تهران، برکنار و اکثر اتاق‌های اصناف را در سراسر کشور منحل کرد. فریدون مهدوی وزیر وقت بازرگانی، معاون حزب رستاخیز هم بود و بیش از هشت هزار واحد صنفی را به

محسن جلال پور



روزهای سختی بر بازاریان می‌گذرد. از یک سو رکود همراه با تورم، کسب و کارها را دچار

فرسایش تدریجی کرده و از سوی دیگر کاهش قدرت خرید مردم باعث شده چراغ فروشگاه‌ها کم‌سو شود. در این شرایط سخت و اوضاع ناآرام، گذاشتن بار اضافی روی دوش اصناف نه تنها عاقلانه نیست بلکه ویران‌کننده است. به طور مشخص، منظور ناوختن چوب بر تن بازاریان به بهانه پوشش خانم‌هاست. چرا باید در این شرایط سخت، فروشگاه‌ها یا رستوران‌ها را به خاطر پوشش خانم‌ها تعطیل کنند؟ آیا قانونی وجود دارد که چنین اجازه‌ای بدهد؟ خیر قانونی وجود ندارد اما به لطف شجاعت و شهامت روزنامه اعتماد متوجه شدیم صدها واحد تولیدی یا بخشنامه «خیلی محرمانه» وزارت کشور پلمب شده‌اند. پلمب واحدهای صنفی به خاطر حجاب، مغایر با قانون اساسی است. اصل چهل و ششم قانون اساسی می‌گوید هیچکس نمی‌تواند امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند اما وزارت کشور که نهاد حاکمیت قانون است، با یک بخشنامه خیلی محرمانه، صدها واحد صنفی را به همین بهانه تعطیل کرده است. تحت تأثیر همین فشار سنگینی که در ماه‌های گذشته به کسبه و بازاریان وارد آمده، خیلی

بنیادی‌ترین نقضان سیاست خارجی ایران



محمود سریع‌القولم | استاد دانشگاه

یکی از مفاهیمی که از اقتصاد و کارآفرینی به‌متون سیاست خارجی و روابط بین‌الملل وارد شده است، Hedging است. به‌جز چند کشور، اکثریت کشورهای جهان با فکر، مشورت، محاسبه، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، این مفهوم را به کار گرفته‌اند. از امارات تا چین، از مکزیک تا هند، از قطر تا برزیل، از عمان تا اندونزی، عموماً مفهوم Hedging را کانون حکمرانی قرار داده‌اند. به عبارت دیگر: در این جهان چند قطبی اقتصاد و سیاست، همه در حال افزایش آلترناتیوها، گسترش فرصت‌ها، ایجاد کثرت در منابع واردات و صادرات و سرمایه‌گذاری، تنوع منابع تأمین اسلحه، کاهش ریسک و مخاطرات، تنوع استراتژی‌های تأمین منافع و امنیت ملی و وسیع‌تر کردن دواير تحرک و اثرگذاری در روابط خارجی هستند.

عربستان هم زمان با آمریکا، روسیه و چین روابط تودرتو ایجاد کرده است. مکزیک، هم با آمریکا روابط استراتژیک برقرار کرده‌هم‌باچین. ویتنام هم به‌صورت گسترده با چین مرادبه دارد و هم با آمریکا و اتحادیه اروپا. هند، هم افزایش حضور سیاسی و اقتصادی در آسیا را دنبال می‌کند و هم در غرب اروپا و آمریکای شمالی. اندونزی با فکر و برنامه‌ریزی و اندیشه‌درازمدت، توازنی میان روابط غرب و شرق خود بنا کرده است. اگر مقیاس کوچک و بزرگ را در نظر بگیریم، و به کیفیت و عمق توجه کنیم، موفق‌ترین کشور غیر غربی جهان در Hedging امارات متحده عربی است. نه دیپلماسی انرژی با مسکورا فراموش کرده، و نه خرید سهام قابل توجه از صنعت باتری‌سازی چین را، نه ایتباع یک کارخانه تولید تسلیحاتی برزیلی را، نه سرمایه‌گذاری مالی در غرب اروپا را و نه Silicon Valley را. مانند آنها که وقتی در بورس سرمایه‌گذاری می‌کنند به‌صورت Portfolio investment عمل می‌کنند.

اگر دانشجویی در یکی از دانشگاه‌های مهم دولتی، لیسانس در مهندسی یا علوم انسانی بگیرد، یک سطح

از توانایی، فرصت و Hedging را به دست آورده است. اگر در رزومه خود بنویسد: تسلط به زبان‌های انگلیسی و چینی، سطح Hedging افزایش پیدا می‌کند. اگر در سه کنفرانس مهم بین‌المللی، مقاله ارائه کند، Hedging چند برابر می‌شود. ریسک‌بیکاری را اینگونه کاهش می‌دهد و در پیدا کردن کار در shortlist قرار می‌گیرد و سپس می‌تواند انتخاب کند. با افزایش توانایی، دانش و مزیت، ریسک‌های زندگی خود را جنبه‌نرولی می‌بخشد. اگر در شغلی که انتخاب می‌کند رضایت نداشت، فرصت‌ها برای او فراوان است. در این جهان متکثر و متنوع، چه فرد، چه نگاه اقتصادی، چه نهادها و چه دولت‌ها عموماً در حال کاهش ریسک، حفاظت از خود و افزایش فرصت‌ها هستند.

معلوم نیست سیاست خارجی ایران در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی، Hedging دارد یا خیر؟ کدام کالا، فرآورده و یا خدمات ایران، در اقتصاد منطقه‌ای یا بین‌المللی، خاص و ممتاز است و مصرف‌کنندگان خارجی به آن‌ها وابسته‌اند؟ زعفران اسپانیا، پتروشیمی عربستان، خاویار روسیه، نفت عراق، بسته آمریکا، فرش هند و گاز قطر به وفور یافت می‌شوند و سهم ایران از بازار جهانی را کاهش داده‌اند. در جهان امروز، شرکت‌ها و کشورها تلاش می‌کنند دیگران را در مزیتی که در اختیار دارند به خود وابسته کنند: کارگزاران در ویتنام، پیچیده‌ترین تشکیلات تولید تراشه در تایوان، سوسید انرژی و اجاره در چین، مالیات بسیار پایین شرکت‌ها در تگزاس، فضای کسب و کار مساعد در امارات نسبت به دیگر کشورهای عربی خلیج فارس، فرصت سرمایه‌گذاری‌های فراوان در ترکیه، همکاری‌های فن‌آوری در کره جنوبی و ژاپن. عموماً همه در حال ایجاد آلترناتیو بهره‌بردار از فرصت‌های ممکن و افزایش Leverage و یا اهرم هستند. اقتصاد ایران تا کنون چنین استراتژی درازمدتی را با توجه به سرمایه‌ها و مزیت‌های فراوان کشور ایجاد نکرده است. اقتصاد ایران در کوران راه‌روهای تولید، سرمایه‌گذاری و فن‌آوری جهان نیست چون به نظر می‌رسد تلقی از مدیریت اقتصادی، عمدتاً تأمین ارزاق عمومی است. جدول زیر معرف جهت‌گیری سرمایه‌گذاری‌ها در دهه ۲۰۲۰ است.

پرسش کلیدی این است که ایران خود را در این شبکه بهم تنیده جهانی چگونه تعریف می‌کند؟

میلای پیش‌بینی شده سرمایه‌گذاری در دهه 2020 (میلیارد دلار)

بخش سرمایه‌گذاری	سال 2020	سال 2030
SG – اینترنت دنیا	6	621
AI – فرش مصنوعی	65	740
EV – خودروهای برقی	163	1500
Solar Panels – صفحات خورشیدی	180	824
Blockchain – بلاکچین	1	641
Robotics – رباتیک	12	88
Clean Energy – انرژی‌های پاک	71	150
		175

در عرصه سیاسی نیز، Hedging ایران بسیار محدود است. شاید بشود ادعای علمی کرد که ایران با هیچ کشوری، روابط دوجانبه بهم تنیده دراز مدت متقابل همه جانبه با دوام استراتژیک ندارد. با تعدادی کشور دوست است و رفت و آمد دادرولی وفاداری و پایبندی آن‌ها هنگام بحران یا خطر، قابل اطمینان نیست. به نظر می‌رسد در عرصه سیاسی، آن‌هایی که با ایران دوست هستند بیشتر سنت «وری و دوستی» را برگزیده‌اند. Hedging و Leverage ایران بیشتر در مدارهای نظامی و در جهت بازآزادنگی و با پشتوانه مکتب امنیتی و اندیشه Keeping enemies at bay است. به یک معنا، سیاست خارجی ایران، از Leverage نظامی و امنیتی بهره‌مند است و آن هم با احتیاط مدیریت می‌شود.

کودکی که هفت سال سن دارد اهمیت یادگیری شما، آموختن زبان‌های خارجی، عادت کردن به مطالعه و دیدن رفتن آداب مدنی را نمی‌داند. پدر و مادر هستند که با فکر،

برنامه‌ریزی، هزینه‌کردن، آموزش و آینده‌نگری، فرزند خود را برای سن ۲۰ و ۳۰ سالگی آماده می‌کنند. کشوری موفق است که حکمرانان آن به لحاظ وسعت اندیشه و برنامه‌ریزی،

۵۰ سال از جامعه جلوتر باشند. در سال ۲۰۵۰ جهان چگونه خواهد بود؟ احتمالاً در آن موقع، ثروت امارات پانزده میلیون نفری از دو تریلیون دلار فراتر خواهد رفت و گستردگی و تکثر Hedging آن، ده‌ها بلکه صدها برابر خواهد شد. همین طور در آن موقع، عربستان با جمعیت ۵۰ میلیون نفری از تولید ناخالص داخلی سه تریلیون دلاری بهره‌مند خواهد بود. با این ثروت و تنوع عربستان، امارات و قطر یا Leverage آنها در فن‌آوری، انرژی و قدرت مالی، بسیاری از کشورهای کوچک و بزرگ منطقه از جمله مصر قابل تصور ۱۶۰ میلیون نفری در آن موقع و با پاکستانی که جمعیت آن به ۳۷۰ میلیون نفر در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید، تحت نفوذ ساختاری ریاض، ابوظبی و دوحه خواهند بود. کشوری که ثروت تولید نکند و به فکر سی سال آینده نباشد، چگونه می‌تواند صرفاً خود را مدیریت کند؟ قدرت و نفوذ در مرحله‌ای بالاتر و به مراتب چالشی تر هستند.

سیاست خارجی ایران با توجه به تحولات سریع فن‌آوری و تولید ثروت منطقه‌ای و جهانی، نیازمند یک استراتژی Hedging است که تمامی شاخه‌های اقتصادی، نظامی، مالی، سیاسی و فن‌آوری را دارا باشد. یک ضرب‌المثل می‌گوید:

Where there is no vision, the people perish.

جایی که چشم‌اندازی نباشد مردم هلاک می‌شوند.

کانال

خاطره‌ای از کیسینجر

آقای کیسینجر در نخستین جلسه به عنوان مقدمه به ما گفت که در سیاست بین‌المللی دو تلقی وجود دارد: یکی تلقی سیاست‌مدارانه و دیگری تلقی حکیمانه. تلقی اول، جنبه‌ی موضعی و محلی به «سیاست‌گری» می‌دهد و کارگزاران سیاسی را مسئول توفیق و شکست آن می‌شناسد، در حالی که تلقی دوم، ارزش‌هایی را که میدان عملی جهانی دارند، مؤثر در سیاست می‌بیند. به نظر می‌رسد که خود او به عنوان «استاد حقوق سیاسی» و سپس به عنوان سیاستمدار عامل، کوشیده است تا دو تلقی را باهم تلفیق کند.

نخست چنین می‌نماید که برخورد حکیمانه با سیاست (به سبب ظاهر آراسته‌ای که اسمش دارد) برای خیر دنیا بهتر بوده است، ولی من خود زود در این خوش‌بینی تجدید نظر کردم. مگر نه آن است که همه‌ی سیاست‌ها، چه مخرب و چه آباد کننده (از ماکیاوول تا هیتلر و حتی چنگیز) توجیه و فلسفه‌ای با خود داشته‌اند؟ و می‌توان گفت که بیشترین تعداد خون در دنیا، در پناه توجیه اعتقادی ریخته شده است. در هر حال تلقی حکیمانه در سیاست نیز، مانند هر اصل و فلسفه‌ای در روزگار ما، متزلزل شده است. سرعت برخورد عمل‌ها و عکس‌العمل‌ها به حدی رسیده است که ما گاهی با چشم‌های گرد شده از تعجب، ناظر فروریختن مشی‌ها، نه تنها در شیوه زندگی، بلکه در سیاست نیز هستیم. فوستر دالس نوی گور می‌لرزید اگر این عکس را مشاهده می‌کرد که نیکسون (رئیس‌جمهور آمریکا) گت چوئن لای را نگاه داشته تا او آن را ببوشد، و لنین از آن‌سوی دنیای خاموشان چه می‌گفت

اگر می‌دید که برژنف (رئیس حزب کمونیست شوروی) با ولع تمام در حال تحویل گرفتن اتومبیل براق هدیه از نیکسون و ویلی برانت است! در حالی که خود اتومبیل در تمدن مغرب‌زمین، پیش از آنکه وسیله‌ی کار باشد، بزرگ‌ترین نمودار بورژوا مآبی و هوس‌بازی تولید و مصرف شده است. دگرگونی اصل‌ها به‌صورتی درآمد که نیکسون، قهرمان دوستی با دنیای کمونیست گردید، و بازیگری سرنوشت به جایی رسید که هنگامی که او در مخمضه‌ی «واترگیت» بی‌پناه مانده بود و حتی دوستان حزبی‌اش از او بریده بودند، و مانند جذامی‌ها همه‌ی او می‌پرهیزیدند (و حتی همین آقای کیسینجر که همه چیزش را از او داشت، حسابش را از حساب او جدا می‌کرد) در چنین حالتی می‌بایست تنها هواداران و مدافعانش را در «مسکو» و «پکن» بجوید، و همین آقای نیکسون کسی بوده است که چنانکه همه می‌دانند، زمانی هم‌دست و مداح «مک‌کارتی» مرحوم بوده و همان‌گونه که محمود غزنوی «انگشت در کرده بود و قرمطی می‌جست»، او کمونیست می‌جست، و نه کمتر از فوستر دالس، هرگونه سر و کار داشتن با «سرخ‌ها» را «ضد اخلاق» می‌شناخت!

چرا چنین تغییر در عرض چند سال؟

جواب می‌تواند این باشد: امور دنیا از تشکل اصلی خود بیرون آمده و حالت «سیالیّت» به خود گرفته بود. نیکسون این واقعیت تازه را خوب دریافت، و در واقع منتخب و حمایت‌شده‌ی آن دسته از سرمایه‌داران و منتقدینی قرار گرفت که آنان نیز به چنین دریافتی رسیده بودند.

برگرفته از کانال سرو سخنگو



مقایسه ایران و آمریکا

کشورداری مبتنی بر عدد و عقلانیت



استاد دانشگاه ایالتی پلی تکنیک کالیفرنیا
محمدرضا اسلامی

دولت آمریکا هر سال آمار مربوط به صنعت ساختمان و ساخت و ساز در این کشور را منتشر می کند. برای آشنایی با ابعاد این بخش از اقتصاد باید بدانیم که ابعاد بازار ساخت و ساز در بازه یک ساله منتهی به شهریور ماه امسال حدوداً ۲۰۰ میلیارد دلار بوده که حدوداً ۵ درصد اقتصاد ایالات متحده است.

مهندسی معماری و ساز و سازه، متولیان احداث بنا در دنیای مدرن محسوب می شوند ولی دانش مهندسی سازه و معماری برای سیاست گذاری در امر مسکن کافی نیست، بلکه تدوین استراتژی های این حوزه، بحثی چندوجهی / پیچیده است و نیازمند آمار و ارقام روشن و دقیق در آمریکا چه تعداد خانه ساخته شد؟ جواب دقیق و روشن است:

در سال گذشته یک میلیون و ۲۲ هزار واحد مسکن «یک واحدی» و ۳۶۸ هزار مسکن «چند واحدی» ساخته شده و پروانه پایان کار دریافت کرده است. یعنی جمعاً ۶۸۶ هزار واحد مسکن، توان ساخت ۱ میلیون و ۳۹۰ هزار واحد مسکونی را داشته است. دقت کنیم! وقتی که یک نفر بگوید ما «براحتی می توانیم

سالی یک میلیون مسکن بسازیم باید بدانند درباره چه چیزی صحبت می کنند. سردار رستم قاسمی در این زمینه مصاحبه ای کرد و گفت که یک میلیون مسکن در سال «شدنی» است ولی گذر زمان نشان داد اینگونه حرفها بی پشتوانه مبتنی بر عدد، محاسبه و عقلانیت است. سوال بعدی نوع سازه های مسکونی «چند واحدی» چه بوده است؟

برخلاف انتظار ما در میان آن ۳۶۸ هزار مسکن چند واحدی مذکور، وضعیت «سازه» خانه ها به شرح زیر بوده است: ۷۳٪ درصد آنها دارای «سازه چوبی» بوده اند و ۲۷٪ درصد باقیمانده دارای سازه های بتنی و فولادی بوده اند. مطابق آمار رسمی دولت آمریکا، فولاد و سیمان عمدتاً در سازه های بلندمرتبه استفاده می شود و مصالح اصلی ساخت و ساز (در مسکن غیر بلندمرتبه) چوب است. نکته کلیدی همین جاست که این آمار نشان دهنده سرانه مصرف انرژی در روند «احداث» ساختمان نیز هست. برای ساخت سازه های بتنی به سیمان و برای ساخت سازه های فولادی به پروفیل های فولاد نیاز است که هر دوی این ها توسط «صنعت انرژی بر» و «آلاینده محیط زیست» تولید می شوند. در کشور آمریکا با وجود قدمت صنایع فولاد و سیمان، چوب به عنوان مصالح اصلی در آنبوه سازی مورد توجه قرار گرفته و این امر باعث شده تا بخش قابل توجهی

از «انرژی کشور» به سمت تولید سیمان و فولاد رهنمون نشود، و محیط زیست هم کمتر دچار آسیب شود. همین رویکرد را ژاپنی ها هم در چند سال اخیر داشته اند و به سمت سازه های چوبی رفته اند.

چقدر دی اکسید کربن برای ساخت یک متر مربع مسکن تولید می شود؟

مطالعات پژوهشگران نشان می دهد برای تولید یک تن سیمان، حدود ۹۰۰ کیلوگرم دی اکسید کربن (CO2) تولید می شود. پروسه تولید سیمان نیاز به انرژی و حرارت بالا (حدود ۱۲۰۰ درجه سانتیگراد) دارد. در بحث تولید فولاد اعداد وحشتناک تر است. برای تولید یک تن فولاد، بیش از یک تن دی اکسید کربن وارد محیط زیست می شود.

بگذارید این رانلموس تریبان کنیم: یک ساختمان ۵ طبقه با قاب خمشی فولادی با هزار متر مربع زیر بنا فرض کنیم. مهندسین برای هر متر مربع حدوداً ۱۰۰ کیلوگرم فولاد طراحی می کنند. لذا جمعاً ۱۰۰ تن فولاد برای ساخت این ساختمان نیاز است که باعث تولید بیش از ۱۰۰ تن دی اکسید کربن می شود. همچنین هر دوی این صنایع (خصوصاً صنعت فولاد) «آب بر» محسوب می شوند. برای تولید یک تن فولاد ۱۳۰ هزار لیتر آب مصرف می شود. یعنی استفاده از سازه چوبی در آمریکا باعث شده علاوه بر

تولید کمتر کربن، آب کمتری نیز مصرف شود.

تحلیل و تجویز راهبردی:

مساله همین جاست: عدد و عقلانیت! عدد پیش نیاز محاسبه است و محاسبه زیربنای عقلانیت. ما در ایران نیاز داریم عدد بفهمیم! تا عدد نباشد و محاسبه نکنیم، تصمیمات ما فضایی و وعده های ما تخیلی خواهد بود. برای آنکه از کشورداری فضایی-تخیلی به کشورداری عقلایی-منطقی مهاجرت کنیم ما نیازمند عدد هستیم و سپس محاسبه و سپس به چالش کشیدن مفروضات و تصمیمات. مثلاً می شود این سوال مطرح کرد که آیا بهتر نیست در ایران چوب را وارد کنیم ولی «انرژی و آب کشور» را در تولید فولاد و سیمان به هدر ندهیم؟ آیا دانشگاه های ما در این زمینه مطالعه ای داشته اند؟ امیدوارم که انجام شده باشد! البته امیدوارم! چوب اساساً کالای گران قیمت / سنگینی محسوب نمی شود و با توجه به شرایط بحرانی آب / انرژی و محیط زیست نیازمند مطالعه جدی درباره آنالیز قیمت / انرژی احداث سازه های چوبی در انبوه سازی هستیم. ارایه آمار با سه ویژگی دقیق، پایدار و شفاف یکی از ضرورت های کشورداری مدرن است. بدون وجود آمار پایدار، روشن و دقیق، همیشه در حال کلی گویی هستیم و وعده های غیر دقیق.

آگهی تغییرات موسسه غیر تجاری فرهنگی هنری اندیشکده راهبری زیست و شیمی ارزش به شناسه ملی ۴۳۱۲۹ ثبت ۱۴۰۰۷۱۷۴۵۷۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۲۰۲۰۲۹ و طبق مجوز شماره ۱۴۰۲۰۲۲۰۴۹۶ مورخ ۱۴۰۲۰۲۸۰۲۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصمیمات ذیل اتخاذ شد آقای قاسم فخاریان به شماره ملی ۰۰۸۹۹۱۲۱۹۵۴ با پرداخت ۳۳۰۰۰۰۰ ریال به صندوق موسسه در زمره شرکاء موسسه درآمد. و آقای محمد جوادان به شماره ملی ۰۰۹۴۶۳۰۵۱۸ با پرداخت ۳۳۰۰۰۰۰ ریال به صندوق موسسه در زمره شرکاء موسسه درآمد. در نتیجه سرمایه موسسه از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال به ۱۶۶۰۰۰۰۰ ریال افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. اسامی شرکاء پس از افزایش سرمایه آقای محمد رضا وصالی به شماره ملی ۰۰۸۹۹۰۳۰۸۰ دارای مبلغ ۳۳۰۰۰۰۰ ریال سهم شرکت و آقای کامل معصومی به شماره ملی ۴۲۸۴۲۲۲۲۹۲ دارای مبلغ ۳۳۰۰۰۰۰ ریال سهم شرکت و آقای سید محسن تقوی به شماره ملی ۰۰۳۷۳۳۰۳۹۵ دارای مبلغ ۳۳۰۰۰۰۰ ریال سهم شرکت و آقای قاسم فخاریان به شماره ملی ۰۰۸۹۹۱۲۱۹۵ دارای مبلغ ۳۳۰۰۰۰۰ ریال سهم شرکت و آقای محمد جوادان به شماره ملی ۰۰۹۴۶۳۰۵۱۸ دارای مبلغ ۳۳۰۰۰۰۰ ریال سهم شرکت

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۶۱۶۳۳۵)

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود تجارت سنگ زرین در تاریخ ۱۴۰۲۰۰۹۰۷ به شماره ثبت ۴۲۱۱ به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۸۰۲۶۷۰

ثابت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.

موضوع فعالیت: فعالیت بازار یابی غیر هرمی و غیر شبکه ای در زمینه مصالح و سنگ های ساختمانی در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان تهران، شهرستان ورامین، بخش مرکزی، شهر ورامین، شهرک مدرس، خیابان شهید عباس باقری، کوچه نگارستان ۳، پلاک ۳، طبقه همکف کدپستی ۳۳۷۳۱۷۱۷۷۷ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم شرکتی هر یک از شرکا آقای محمد بیات به شماره ملی ۰۴۱۰۲۵۱۸۲۸ دارند ۱۰۰۰۰۰۰ ریال سهم شرکتی آقای حامد بیات به شماره ملی ۰۴۱۰۴۸۰۷۹۷ دارند ۹۰۰۰۰۰۰ ریال سهم شرکتی مدیر عامل آقای حامد بیات به شماره ملی ۰۴۱۰۴۸۰۷۹۷ به سمت مدیر عامل به مدت نامحدود دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادهای عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری بالمعنا مدیر عامل، آقای حامد بیات همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه روزنامه کثیر الانتشار افق اقتصاد جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ورامین (۱۶۱۶۳۳۹)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص پیشکار سازنده راه به شناسه ملی ۲۲۱۴۵۵ ثبت ۱۰۱۰۲۶۲۷۳۹۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۱۰۱۲۰۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد سرمایه شرکت از مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریالی با نام عادی که تماماً از محل آورده نقدی به مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال بموجب گواهی شماره ۱۴۰۲۰۲۵۵۲۰۱۰۲۷۸۱۲۵ ص مورخ ۱۴۰۲۰۲۸۰۲۴ بانک ملی شعبه میدان آزادی سنندج پرداخت گردیده افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل و امضا گردیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۶۱۶۳۳۸)

آگهی تغییرات شرکت با مسئولیت محدود ره آورد اقتصاد فدک به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۶۵۱۳۱ و به شماره ثبت ۳۶۶۲۳۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۲۰۰۸۰۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد آقایان داود حسینی با شماره ملی ۰۵۳۰۶۹۶۵۴۱ و مجید عبدالعظیمی با شماره ملی ۱۰۹۱۱۹۱۷۹۴ به عنوان اعضای هیئت مدیره به مدت دو سال انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۱-۱۲-۲۹ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی ارقام پردازش نوین حسابداران رسمی با شناسه ملی ۱۴۰۰۹۹۰۰۹۵۸ به سمت بازرس اصلی و آقای علیرضا لامعی ساری قیه با شماره ملی ۰۰۷۶۷۷۹۲۷۰ به سمت بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۶۱۶۳۳۷)

آگهی تغییرات شرکت با مسئولیت محدود پرهام پارینا به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۷۷۸۲۹ و به شماره ثبت ۳۶۷۷۷۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۲۰۰۸۰۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد کلیه اوراق بهادار و اسناد تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادهای عقود اسلامی با امضاء متفق رئیس هیئت مدیره (اسلام ناصحی) و مدیر عامل (سید علی عظیمی حسینی) همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۶۱۶۳۳۶)

افق اقتصاد

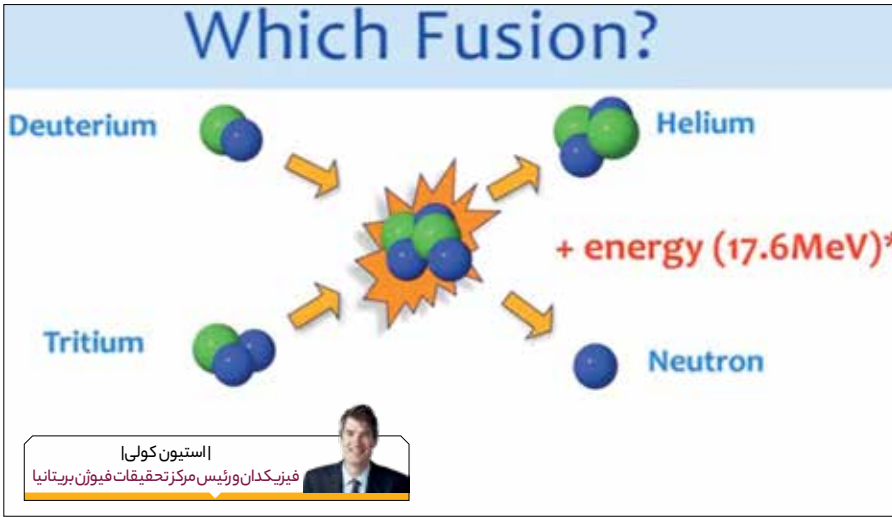
Ofogheghtesad.com

Ofogheghtesad

فیوژن

آینده انرژی است

افق اقتصاد-استیون کاولی فیزیکدان مطمئن است که همجوشی هسته‌ای تنها راه حل واقعا پایدار برای بحران سوخت است. او در تد ۲۰۰۹ توضیح می‌دهد که چرا برای ایجاد منبع جدید انرژی «همجوشی» کار خواهد کرد.



۱

سوال کلیدی این است که "چه زمانی قرار است فیوژن را بدست آوریم؟" واقعاً خیلی وقت است که از فیوژن نمی‌دانیم. از سال ۱۹۲۰، زمانی که سرآرتور استنلی ادینگتون وانجمن پیشرفت علم بریتانیا حدس زدند که به همین دلیل خورشید می‌تابد، در مورد همجوشی می‌دانیم. من همیشه در مورد منابع بسیار نگران بوده‌ام. شما رانمی‌دانم، اما وقتی مادرم به من غذای داد، همیشه آن‌هایی را که دوست نداشتم از آن‌هایی که دوست داشتم، جدا می‌کردم. و من ناپسندها را اول خوردم، چون آن‌هایی را که دوست داری، می‌خواهی پس‌انداز کنی. و به عنوان یک کودک همیشه نگران منابع هستتید. و هنگامی که به من توضیح داده شد که با چه سرعتی منابع جهان را مصرف می‌کنیم، بسیار ناراحت شدم، تقریباً به همان اندازه که وقتی فهمیدم زمین فقط پنج میلیارد سال قبل از بلعیده شدن توسط خورشید ناراحت شدم. اتفاقات بزرگ در زندگی من، یک کودک عجیب.

۲

انرژی، در حال حاضر، تحت سلطه منابع است. کشورهایی که از انرژی پول زیادی به دست می‌آورند، چیزی زیر خود دارند. ما اکنون واقعاً تحت سلطه چیزهایی هستیم که سریعتر و سریعتر از آنها استفاده می‌کنیم. و در حالی که تلاش می‌کنیم میلیاردها نفر را در جهان سوم، در کشورهای در حال توسعه از فقر نجات دهیم، انرژی را سریعتر و سریعتر مصرف می‌کنیم. و این منابع در حال از بین رفتن هستند. روشی که ما در آینده انرژی می‌سازیم از منابع نیست، بلکه واقعاً از دانش است. اگر به ۵۰ سال آینده نگاه کنید، روشی که احتمالاً انرژی تولید خواهیم کرد احتمالاً یکی از این سه مورد است، با مقداری باد، با برخی چیزهای دیگر، اما اینها محرک‌های انرژی بار پایه خواهند بود. خورشید می‌تواند این کار را انجام دهد و ما قطعاً باید انرژی خورشیدی را توسعه دهیم. اما قبل از اینکه بتوانیم انرژی خورشیدی را به عنوان منبع انرژی بار پایه برای جهان تبدیل کنیم، دانش زیادی باید به دست آوریم؛ شکافت. دولت ماقرار است شش نیروگاه هسته‌ای جدید ایجاد کند. آنها قصد دارند شش نیروگاه هسته‌ای جدید و احتمالاً بعد از آن بیشتر کنند. چین در حال ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای است. همه هستند. زیرا آنها می‌دانند که این یک راه مطمئن برای انرژی بدون کربن است.

۳

اما اگر می‌خواهید بدانید که منبع انرژی کامل چیست، منبع انرژی کامل، منبعی است که فضای زیادی را اشغال نکند، منبعی تقریباً تمام نشدنی داشته باشد، ایمن باشد، هیچ کربنی در جو وارد نکند، پسماند رادیو اکتیو با عمر طولانی باقی بماند؛ (و آن همجوشی است). اما یک گرفتاری وجود دارد. البته همیشه در این موارد گیرایی وجود دارد. انجام فیوژن بسیار سخت است. ما ۵۰ سال است که تلاش می‌کنیم. فیوژن چیست؟ اینجا به فیزیک هسته‌ای می‌رسد. انرژی هسته‌ای به یک دلیل ساده می‌آید. پایدارترین هسته، آهن است، درست در وسط جدول تناوبی. این یک هسته با اندازه متوسط است. و اگر می‌خواهید انرژی بگیری می‌خواهید به سمت آهن بروید. بنابراین، اورانیوم که بسیار بزرگ است، می‌خواهد تجزیه شود. اما اتم‌های کوچک می‌خواهند به هم بپیوندند، هسته‌های کوچک می‌خواهند به هم بپیوندند تا اتم‌های بزرگ‌تری بسازند تا به سمت آهن بروند. شما می‌توانید از این طریق انرژی دریافت کنید. و در واقع این دقیقاً همان کاری است که ستاره‌ها انجام می‌دهند. در وسط ستارگان، شما هیدروژن را به یکدیگر می‌پیوندید تا هلیوم بسازید و سپس هلیوم را به یکدیگر می‌پیوندید تا کربن بسازید، تا اکسیژن بسازید، تمام چیزهایی که از آنها ساخته شده‌اید در وسط ستاره‌ها ساخته شده‌اند. اما انجام این فرآیند سخت است زیرا همانطور که می‌دانید، و وسط یک ستاره تقریباً طبق تعریف کاملاً داغ است. واکنشی وجود دارد که احتمالاً ساده‌ترین واکنش همجوشی است. این بین دو ایزوتوپ هیدروژن، دو نوع هیدروژن است: دوتریوم، که هیدروژن سنگین است، که می‌توانید آن را از آب دریا دریافت کنید، و تریتیوم که هیدروژن فوق سنگین است.

۴

این دو هسته، وقتی از هم دور هستند، باردار می‌شوند. و شما آنها را به هم فشار می‌دهید و آنها دفع می‌کنند. اما وقتی آنها را به اندازه کافی نزدیک کنید، چیزی به نام نیروی قوی شروع به عمل کرده و آنها را به هم نزدیک می‌کند. بنابراین، اکثر اوقات آنها دفع می‌کنند. آنها را نزدیک‌تر و نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌کنید و سپس در نقطه‌ای نیروی قوی آنها را به هم می‌گیرد. برای یک لحظه آنها تبدیل به هلیوم ۵ می‌شوند، زیرا آنها پنج ذره درون خود دارند. بنابراین، این روند وجود دارد. دوتریوم و تریتیوم با هم ترکیب می‌شوند هلیوم ۵ را می‌سازند. هلیوم از هم جدا می‌شود و یک نوترون بیرون می‌آید و انرژی زیادی خارج می‌شود. اگر بتوانید چیزی را به حدود ۱۵۰ میلیون درجه برسانید، چیزها آنقدر سریع به اطراف می‌چرخند که هر بار که دقیقاً با یکدیگر برخورد می‌کنند، این اتفاق می‌افتد و انرژی آزاد می‌شود. و این انرژی همان چیزی است که به همجوشی نیرو می‌دهد. و این واکنشی است که ما می‌خواهیم انجام دهیم.

۵

یک حبله در مورد این واکنش وجود دارد که باید آن را ۱۵۰ میلیون درجه کنید، اما هنوز یک حبله در مورد واکنش وجود دارد. حبله گری درباره واکنش این است که تریتیوم در طبیعت وجود ندارد. شما باید آن را از چیز دیگری بسازید. و شما اگر از لیتیم درست کنید. این واکنش در پایین، یعنی لیتیم ۶، به اضافه یک نوترون، هلیوم و تریتیوم بیشتری به شما می‌دهد. و این راهی است که شما تریتیوم خود را درست می‌کنید. اما خوشبختانه، اگر بتوانید این واکنش همجوشی را انجام دهید، یک نوترون دارید، بنابراین می‌توانید آن را انجام دهید. حالا چرا ما زحمت این کار را به هم می‌کنیم؟ اساساً به همین دلیل است که ما زحمت انجام آن را می‌دهیم. اگر فقط میزان سوخت باقیمانده را بر حسب واحد مصرف جهانی کنونی مشخص کنید. و همانطور که از آنجا عبور می‌کنید، چند ده سال نفت را می‌بینید. و همانطور که از آنجا عبور می‌کنید، خواهید دید که ما چند ده سال و شاید ۱۰۰ سال از سوخت‌های فسیلی باقی مانده ایم. و خدای داند که ما واقعاً نمی‌خواهیم همه آن را بسوزانیم، زیرا مقدار زیادی کربن در هوا ایجاد می‌کند. و سپس به اورانیوم می‌رسیم. و با فناوری راکتور فعلی، ما واقعاً اورانیوم زیادی نداریم. و ما باید اورانیوم را از آب دریا استخراج کنیم تا نیروگاه‌های هسته‌ای متعارف واقعاً کارهای زیادی برای ما انجام دهند. این کمی تکان دهنده است، زیرا در واقع دولت ما برای دیدار با کیوتو و انجام همه این کارها به آن متکی است.

۶

برای رفتن بیشتر باید از فناوری پرورش دهنده استفاده کنید. و فن آوری پرورش دهنده‌گان سریع است. و این بسیار خطرناک است. نکته مهم لیتیمیومی است که ما در جهان داریم. لیتیم در آب دریا است. ما ۳۰ میلیون سال سوخت همجوشی در آب دریا داریم. همه می‌توانند آن را دریافت کنند. به همین دلیل است که می‌خواهیم فیوژن انجام دهیم. آیا مقرون به صرفه است؟ ما تخمین می‌زنیم که فکر می‌کنیم هزینه ساخت یک نیروگاه همجوشی واقعاً چقدر است. و ما تقریباً به همان قیمت برق فعلی می‌رسیم. بنابراین، چگونه آن را درست کنیم؟ ما باید چیزی را در ۱۵۰ میلیون درجه نگه داریم. و در واقع، ما این کار را انجام داده ایم. ما آن را با یک میدان مغناطیسی نگه می‌داریم. و در داخل آن، درست در وسط این شکل حلقوی، شکل دونات، درست در وسط آن ۱۵۰ میلیون درجه است. در وسط در دمای ۱۵۰ میلیون درجه می‌جوشد. در واقع می‌توانیم همجوشی را انجام دهیم.

۷

وقتی مردم می‌گویند فیوژن ۳۰ سال دیگر است و همیشه خواهد بود، من می‌گویم: "آره، اما ما در واقع این کار را انجام داده‌ایم." درست؟ ما می‌توانیم فیوژن انجام دهیم. در مرکز این دستگاه ما در سال ۱۹۹۷ ۱۶ مگاوات توان همجوشی تولید کردیم. و در سال ۲۰۱۳ دوباره آن را روشن کرده و همه آن رکوردها را بشکنیم. اما این واقعاً قدرت فیوژن نیست. این فقط باعث می‌شود که ترکیبی اتفاق بیفتد. ما باید آن را بگیریم، باید آن را به یک راکتور همجوشی تبدیل کنیم. زیرا ما ۳۰ میلیون سال انرژی همجوشی برای زمین می‌خواهیم. این دستگاهی است که اکنون در حال ساخت آن هستیم.

۸

انجام این تحقیق بسیار گران است. به نظر می‌رسد که با وجود آن همه مزخرفات فیوژن سرد نمی‌توانید فیوژن را روی میز انجام دهید. شما باید این کار را در یک دستگاه بسیار بزرگ انجام دهید. بیش از نیمی از جمعیت جهان در ساخت این دستگاه در جنوب فرانسه مشارکت دارند که مکان خوبی برای آزمایش است. هفت کشور در ساختن آن مشارکت دارند. ۱۰ میلیارد برای ما هزینه دارد. و ما نیم گیگاوات توان همجوشی تولید خواهیم کرد. اما این هنوز برق نیست. ما باید به یک نیروگاه برسیم. باید در این فناوری بسیار پیچیده، برق را در شبکه قرار دهیم. و من واقعاً دوست دارم خیلی سریعتر از آنچه هست اتفاق بیفتد. اما در حال حاضر، تنها چیزی که می‌توانیم تصور کنیم مربوط به دهه ۲۰۳۰ است.

۹

کاش این متفاوت بود الان واقعاً بهش نیاز داریم ما در پنج سال آینده در این کشور با قدرت مشکل خواهیم داشت. بنابراین سال ۲۰۳۰ به نظر می‌رسد بی‌نهایت دور است. اما اکنون نمی‌توانیم آن را رها کنیم. ما باید به جلو فشار بیاوریم، فیوژن اتفاق بیفتد. ای کاش پول بیشتری داشتیم، کاش منابع بیشتری داشتیم. اما این همان چیزی است که ما در دهه ۲۰۳۰ به دنبال آن هستیم- نیروی الکتریکی واقعی از همجوشی.

آیامزرعه‌های عمودی و سرپوشیده آینده کشاورزی هستند؟

ساختن مزارع مرتفع سرپوشیده؛ از حومه شهر تا بناهای بلااستفاده



ترجمه: بهداد خضالی مسعود معتمدی فر

استیوارت ادا
کارآفرین، کشاورز



افق اقتصاد - تا سال ۲۰۵۰، پیش‌بینی می‌شود که جمعیت جهانی به ۸/۹ میلیارد نفر برسد. چطور می‌توانیم غذای همه را فراهم کنیم؟ استوارت ادا بانگذار سرمایه‌گذاری بوده که حالا کشاورز شده است طی یک سخنرانی تد به مزرعه‌های عمودی سرپوشیده اشاره می‌کند: پرورش غذا در قفسه‌های روی هم گذاشته شده در محیطی تحت کنترل و جدای از آب و هوا. او توضیح می‌دهد که چطور این شیوه می‌تواند استانداردهای ایمنی بهتری داشته باشد، صرفه جویی کند، آب کمتری مصرف کند و کمک کند تا غذای نسل‌های آینده را فراهم کنیم.

۱ اگر روی کره زمین زندگی می‌کنید و یکی از هفت میلیارد انسانی هستید که هر روز غذا می‌خورد، از شما می‌خواهم که توجه کنید، چون ظرف سه دهه آینده، ما باید با یکی از حیاتی‌ترین چالش‌های جهانی نسل‌مان مواجه شویم. در مورد تغییرات آب و هوا صحبت نمی‌کنم؛ درباره غذا و کشاورزی صحبت می‌کنم.

پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۵۰، که جمعیت جهانی مابه ۹/۸ میلیارد نفر برسد، که ۶۸ درصد از مادر مراکز شهری زندگی می‌کنیم. برای سیر کردن این جمعیت عظیم، باید میزان تولیدات کشاورزی مان را ۷۰ درصد سطح فعلی افزایش دهیم. اگر تنها این اعداد را مد نظر قرار دهید، نیاز است تا غذای بیشتری را در ۳۰ تا ۴۰ سال آینده به نسبت مجموع ۱۰۰۰ سال قبل از آن پرورش دهیم. ساده بگویم، نه تنها جمعیت جهانی ما افزایش می‌یابد، بلکه متر اکم تر هم می‌شود و نیاز خواهیم داشت تا غذای بیشتری را با منابع و زمین بسیار کمتری پرورش دهیم. آنچه تلاش‌های ما را برای مواجه شدن با این تغییرات بزرگ جمعیتی پیچیده می‌کند چالش‌هایی است که صنعت کشاورزی امروزه با آن مواجه است.

۲ در سطح جهانی، یک سوم کل غذایی که تولید می‌کنیم تلف می‌شود؛ معادل ۱/۶ میلیارد تن غذا که یا در راه بازار خراب می‌شود یا در یخچال‌ها تاریخ مصرفش منقضی می‌شود یا به سادگی توسط سوپرمارکت و رستوران آخر هر روز دور ریخته می‌شوند! هر ساله، تا ۶۰۰ میلیون نفر از خوردن غذاهای آلوده مریض می‌شوند که چالشی که مادر حفظ سلامت غذا داریم را مشخص می‌کند.

و شاید متعجب نشویم، که صنعت کشاورزی بزرگ‌ترین مصرف‌کننده آب شیرین است؛ معادل ۷۰ درصد مصرف جهانی. آسوده می‌شوید اگر بدانید که صنایع کشاورزی و جنبش جهانی که توسط دانشگاه‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی فعال شده با هم تحقیقات همه‌جانبه‌ای را شروع کرده‌اند و فناوری‌های جدیدی را توسعه می‌دهند که به همه این مسائل توجه کند. خیلی‌ها دهه‌هاست که آن را انجام می‌دهند اما یکی از نوآوری‌های جدید در تولید غذا که در پارک‌های صنعتی آمریکای شمالی، در مراکز شهری آسیا، و حتی در صحرای خشک خاورمیانه اجرا شده است کشاورزی در محیط‌های تحت کنترل است. منظور از کشاورزی در محیط تحت کنترل در واقع همان کشاورزی مقاوم در برابر آب و هوا یا اقلیم است. خیلی از این مزرعه‌ها محصولات را به شکل سه بعدی و در قفسه‌های عمودی پرورش می‌دهند که مقابل مزارع دو بعدی معمول است. پس این نوع تولید محصول همچنین کشاورزی عمودی سرپوشیده نامیده می‌شود.

۳ من مشغول به کار در فضاهای کشاورزی سرپوشیده عمودی در پنج سال ونیم گذشته بودم و فناوری‌هایی را توسعه می‌دادم که این نوع از تولید غذا را موثرتر و مقرون به صرفه‌تر کنند.

می‌تواند به کوتاه شدن زنجیره تامین محصولات کشاورزی کمک کند و همچنین سطح مواد مغذی سبزیجات را حفظ کند. همچنین، در خیلی از کشورها همه جادسترسی به غذاهای تازه وجود ندارد، امکان تهیه سبزیجات مغذی نیست، و همینطور که این صنعت رشد می‌کند، امکان دسترسی منصفانه‌تری به سبزیجات با کیفیت و مغذی‌تر حتی در محرومترین جوامع فراهم می‌کند.

۹ نهایتاً که این برای خودم شخصاً خیلی جالب است - این که کشاورزی سرپوشیده در ارتفاع می‌تواند کاملاً با نماهای شهری ترکیب شود تا به تغییر کاربری زیرساخت‌های، که به هر هوبی فایده کمک کند. در واقع، این اتفاق همین حالا هم می‌افتد. خدمات سفرهای مشترک شهری می‌تواند صدها هزار خودرو را از جاده‌ها کم کند و مشخصات سبزیجات را به پارکینگ‌های شهری را کاهش دهد.

مثلاً در مرکز پکن مزرعه‌ای در یک سازه کم استفاده نصب کرده‌ایم برای پارکینگ تا برای هتل‌های اطراف سبزیجات پرورش دهیم. زیرساخت‌های کم‌بهره تنها محدود به پروژه‌های بزرگ عمرانی شهری نمی‌شوند، و حتی می‌توانند فضاهای کوچک‌تری مانند کنار می استفاده رستوران‌ها هم باشند. مثل مزرعه‌ای که در فضای ورودی یک هتل نصب کرده‌ایم تا گیاهان تازه و خوردنی را برای سرآشپزها مانجا پرورش دهیم. یا مزرعه‌ای که در داخل محیط اداری برای پرورش سبزیجات تازه برای کارکنان کافه-رستوران‌های اطراف نصب کردیم. صادقانه بگویم، اگر به اطراف نگاه کنی، همه جا فضاهای بلااستفاده می‌بینی، زیر، در اطراف و درون توسعه‌های شهری.

۱۰ کشاورزی هم می‌تواند خیلی هیجان انگیز باشد. تعجب خواهید کرد اگر بدانید که هنوز برایم سخت است که توضیح دهم چقدر از زمینه صنعت کشاورزی کار کرده‌ام و ادامه داده‌ام. اما چند سال پیش، یک پاسخ نسبتاً منحصربه‌فرد پیدا کرده‌ام که خیلی هم واضح بود. داشتم مقاله‌ای می‌خواندم که چطور اسم شما، مشخصاً اسم فامیلتان، می‌تواند تأثیری قوی روی همه چیز از شخصیت تا حرفه و شغل بگذارد. این اسم فامیل زاپنی من است: ادا. که ترجمه مستقیم آن «مزرعه کوچک» است!

کیفیتی یکنواخت و محصولی قابل پیش‌بینی دارید. برخی از دیگر مزایای اصلی شامل بر کارآمدی چشمگیر در استفاده از منابع است، خصوصاً آب. برای هر کیلوگرم سبزیجاتی که به این شکل تولید می‌شود، صدها لیتر آب در مقایسه با شیوه‌های سنتی کشاورزی صرفه جویی می‌شود. با این صرفه جویی در آب صرفه جویی مشابهی در مصرف کود هم می‌شود. یکی از بهترین مزارع پر بازده بیش از ۲۵۰ برابر محصول بیشتر در متر مربع به نسبت مزارع سنتی تولید می‌کند.

۶ آب‌بندی به معنی کنترل کامل ورود آلودگی و آفت‌هاست که بطور کاملی نیاز به استفاده از حشره کش‌ها را حذف می‌کند. نباید اشتباه کرد که این مزارع می‌توانند میزان عظیمی محصول تولید کنند و یکی از بزرگ‌ترین هایشان روزانه ۳۰،۰۰۰ دسته سبزیجات تولید می‌کند. اگر چه، همراه با هر فناوری یا اختراع، اشکالاتی هم وجود دارد. تولید محصول به این شیوه می‌تواند بسیار پر مصرف از لحاظ انرژی باشد. همچنین، این مزارع تنها می‌توانند انواع کمی از انواع سبزیجات تجاری را تولید کنند و هزینه کلی تولید هنوز زیاد است.

۷ برای حل این مسائل، بعضی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین مزارع سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی می‌کنند، که از کارآمدی انرژی آغاز می‌شود. برای کاهش مصرف بالای انرژی، تلاش‌هایی برای تولید LEDهایی با کارایی بالاتر انجام شده تا لیزرهایی تولید شوند که برای رشد گیاهان بهینه شده و حتی از کابل‌های فیبر نوری برای انتقال نور خورشید مستقیماً به داخل مزارع سرپوشیده عمودی استفاده شوند تا در هنگام روز نیاز به نور مصنوعی کاهش یابد. همچنین، برای کاهش هزینه نیروی انسانی مربوط به استخدام کارهای پیچیده‌تر، شهری‌تر و همینطور نیروی با مهارت بالاتر، ربات‌ها و اتوماسیون به میزان زیادی در تاسیسات بزرگ استفاده می‌شوند.

۸ ممکن است هیچ وقت نشود کاملاً در منابع کارایی بالایی داشت. ساختن مزارع مرتفع سرپوشیده در داخل و اطراف مراکز شهر

مثلاً یک کانترینر حمل و نقل از زده خارج را به یک مزرعه سرپوشیده تبدیل کرده‌ایم و بعد به درون قلب و گرمای دبی برده‌ایم. از دید اقتصادی کشاورزی سرپوشیده عمودی نسبتاً پدیده جدیدی است. دلیلش این است که مصرف کنندگان به سلامت فرآورده‌ها و اینکه محصولات از کجا آمده اهمیت بیشتری می‌دهند و همینطور فناوری لازم برای عملی کردن آن بیشتر و با هزینه کمتر فراهم شده است. هزینه کلی تولید محصولات غذایی در جهان افزایش می‌یابد که موجب قابلیت تر شدن این شیوه از تولید محصولات می‌شود. اگر بخواهید یک مزرعه سرپوشیده عمودی بسازید، باید تعدادی از اجزای سنتی کشاورزی را با معادل‌های مصنوعی‌شان جایگزین کنید.

۴ از نور خورشید شروع می‌کنیم. در مزرعه‌های سرپوشیده عمودی، نور طبیعی خورشید با نورهای مصنوعی مانند LED جایگزین می‌شود. اگر چه انواع مختلفی از LED استفاده می‌شوند، مثل «LED طیف کامل» که برای نوع سبزیجاتی که می‌خواهیم پرورش دهیم بهینه می‌شود. همچنین برای پیشینه کردن تولید در یک سطح مشخص، مزارع سرپوشیده عمودی از یک سیستم قفسه‌بندی استفاده می‌کنند تا سبزیجات را در ارتفاع رشد دهند. بعضی از بزرگ‌ترین تاسیسات محصولاتشان را در ۱۴ تا ۱۶ طبقه قرار می‌دهند. بیشتر این مزارع سیستم‌های آب‌کشت یا هواکشت هستند، که به این معنی است که به جای استفاده از خاک، از موادی جایگزین مانند اسفنج‌های پلی‌اورتان، کود برگ قابل تجزیه و حتی مواد غیرآلی مانند سنگ مروارید و گلوله‌های سفالی استفاده می‌کنند. دیگر ویژگی منحصربه‌فرد این مزارع استفاده از یک ترکیب دقیق مواد غذایی است که در تاسیسات گردش می‌کند و تصفیه می‌شود، و مستقیماً به قسمت ریشه گیاه تزریق می‌شود تا باعث رشد گیاه شود.

۵ این مزارع از یک سیستم نظارتی پیچیده استفاده می‌کنند تا مشخصات تولید، کارآمدی و یکنواختی را افزایش دهند، و ابزارها این مزیت را هم ایجاد می‌کنند که محصول تولید شده قابل رهگیری و امن است. برخی از مزایای مشخص تولید محصول به این شیوه عبارتند از تولید سبزیجات در تمامی سال، و اینکه

خوش گذراندن فقط یک لذت ساده نیست!

افق اقتصاد - آیا دوز روزانه خوش گذرانی خودتان را دارید؟ کاترین پرایس، روزنامه‌نگار علمی طی سخنرانی در پلتفرم تد می‌گوید این نه تنها لذت بخش است، بلکه برای سلامتی و شادی شما نیز ضروری است. او تعریف جدیدی از خوش گذراندن ارائه می‌کند - چیزی که او آن را "خوش گذرانی واقعی" می‌نامد - و راه‌های ساده و مبتنی بر شواهد را به اشتراک می‌گذارد تا بازیگوشی، جریان و ارتباط را در زندگی روزمره شما بگنجاند.

ارتباط به حس داشتن یک تجربه خاص و مشترک اشاره دارد. و فکر می‌کنم در برخی شرایط امکان‌ش هست که به تنهایی خوش بگذرانیم و این حساس ارتباط، با خودتان یا اطرافتان، یا فعالیت‌تان باشد. اما در داستان‌هایی که مردم برای من بازگویی کنند که اوج خاطرات باحال آن‌هاست، شخص دیگری هم دخیل است و این حتی برای درون گراها هم صادق است.



معمولا احساس زنده بودن خیلی سخت‌تر از آن چیزی است که به نظر می‌رسد. ما خودمان را تا سر حد خستگی مشغول می‌کنیم اما در حال پژمرده شدن هستیم. در درون احساس مردگی می‌کنیم. فکر می‌کنم این بخشی از دلایلی است که خودمان را مشغول و حواسمان را پرت می‌کنیم اما نمی‌دانیم در موردش چکار کنیم. بنابراین می‌خواهم به شما بگویم که فهمیدم در موردش چکار باید بکنیم: ما باید بیشتر خوش بگذرانیم! در گفتار روزمره، ما هر کاری که در اوقات فراغت انجام می‌دهیم، غالبا به آن می‌گوییم «خوش گذراندن» حتی اگر واقعا لذت بخش نباشد و در واقع اتلاف وقت باشد. به عنوان مثال، ما در رسانه‌های اجتماعی «برای خوش گذراندن» گشت می‌زنیم گرچه انجام این کار اغلب باعث می‌شود در مورد همه چیز احساس بدی داشته باشیم. یا در پاسخ به چیزهایی که آنقدر هم باحال نبودند و هرگز نمی‌خواهیم دوباره انجامش بدهیم؛ می‌گوییم: «خیلی باحال بود!» باز هم باید انجامش بدهیم. حتی فرهنگ لغت هم تعریف درستی از کلمه «خوش گذرانی» ارائه نمی‌دهد. می‌گوید که خوش گذراندن به معنی سرگرمی یا لذت است یا خوشی دلگشا. چیزی است که بچه‌ها در زمین بازی دارند. این باعث می‌شود که خوش گذرانی به نظر بیپه‌و و اختیاری به نظر بیاید. اما اگر بر گردید به خاطرات خودتان فکر کنید که از نظر شما، خوش گذرانی واقعی است - خاطراتی که شما با عنوان «باحال» توصیف می‌کنید - متوجه می‌شوید که چیز بسیار عمیق‌تری در جریان است.



من هزاران مورد از این داستان‌ها را از مردم سراسر جهان جمع‌آوری کردم و می‌توانم بگویم که شگفت‌انگیز است. وقتی مردم خاطراتی را که در آن بیشترین لذت را بردند، بازگو می‌کنند، در مورد برخی از شادترین و باارزش‌ترین خاطرات زندگی خود تعریف می‌کنند.

پس در حقیقت، خوش گذراندن فقط یک لذت ساده نیست. فقط برای بچه‌ها نیست و قطعاً بیپه‌و هم نیست. اتفاقاً، خوش گذراندن راز داشتن احساس زنده بودن است. می‌خواهم تعریف جدید و دقیق‌تری از خوش گذراندن به شما ارائه بدم. می‌خواهم برخی از راه‌هایی که در آن‌ها به طرز عجیبی برای ما خوشی وجود دارد، فاش کنم و می‌خواهم چندتا پیشنهاد به شما بدهم برای کارهایی که از همین الان می‌توانید شروع کنید تا قدرت‌ش را خودتان تجربه کنید.



اولین چیزی که باید بدان شروع کنیم این است که خوش گذراندن یک حس است، نه فقط یک فعالیت. و این چیز مهمی است چون خیلی وقت‌ها، وقتی از مردم می‌پرسم، «خوش گذراندن چیست؟ یک سری از فعالیت‌هایی را نام می‌برند که از آن لذت می‌برند. مثلا می‌گویند، «رقصیدن باحاله یا اسکای کر دن باحاله» یا چه می‌دانم... اما همه‌ی ما تجربیاتی داشتیم که در آن چیزی کم باشد و فعلی‌تی که به نظر می‌رسیده باحال باشد، آخرش اینطور نبوده است و بالعکس چیزی که اصلا باحال به نظر نمی‌رسیده آخرش به طور مضحکی باحال بوده است. یک عامل خوشبختی وجود دارد اما وقتی مردم واقعا خوش می‌گذرانند، وقتی این حس را تجربه می‌کنند واقعا مشخص آن آسان می‌شود چون افرادی که در حال خوش گذرانی اند انگار از درون روشن می‌شوند. خوش گذراندن واقعی، این حس درونی سرخوشی و شادی را ایجاد می‌کند. پرطراوت و درخشان است. وقتی از دخترم که پنج سالش بود پرسیدم، باحال بودن چه رنگی است؟ او گفت: «به رنگ نور آفتاب».



وقتی افراد داستان خوش گذراندن‌شان را می‌گویند خیلی جالب است، چون جزئیات همه آن‌ها باهم متفاوتند و اغلب کارهای روزمره‌اند، اما یک انرژی در درون همه آن‌ها جریان دارد. سه عامل وجود داشت که همیشه هم وجود دارد، تاجایی که معتقدم آن‌ها تعریف جدیدی را شکل می‌دهند، تعریفی که خیلی دقیق‌تر از آن چیزی است که در لغت‌نامه وجود دارد. و آن سه عامل: بازیگوشی، ارتباط و جریان داشتن هستند.

البته منظوم از بازیگوشی، این نیست که بازی کنید یا خدای نکرده تظاهر کنید. منظوم داشتن حالت سرخوشانه است در انجام کارها به خاطر انجام دادن آن‌ها و اهمیت ندادن آنچنانی به نتیجه آن کار. رها کردن کمال‌گرایی. در حال خوش گذرانی که باشیم گارد ما پایین است و خیلی به خودمان سخت نمی‌گیریم.



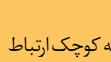
خب، چطور اینکار را بکنیم؟ چگونه بیشتر خوش بگذرانیم؟ برای شروع از پیشنهاداتی که در مقالات مجله‌ها هستند و می‌گویند چگونه خوش بگذران استفاده نکنید! خودم به چندتا یک نگاهی انداختم و یک سری پیشنهادات پیدا کردم - و باور کنید آنها را از خودم نساختم: «بوقلمون کباب کن!»، «برای عزیزی که در گذشتند یک محراب برپا کن!»، «یک برنامه مستند درباره تغییرات اقلیمی تماشا کن!»، و پیشنهاد مورد علاقه‌ی خودم «سفره‌تان را با کدوسبز بیارید!»... خب این‌ها پیشنهادات مفیدی نیستند. در عوض، موثرترین کاری که برای خوش گذراندن می‌توانید انجام دهید تمرکز بر عوامل آن است، که منظورم از آن انجام هر کاری است تا زندگی را با لحظات بیشتری از بازیگوشی، ارتباط و جریان داشتن پر کنید.



خب، حالا یک سری ایده برای انجام دادنش. برای شروع، چیزهایی که مانع تمرکز هستند را کاهش دهید تا جریان داشتن افزایش یابد. هر چیزی که حواس شما را پرت کند، شما را از جریان خارج می‌کند و از خوش گذراندن شما جلوگیری می‌کند. و منبع شماره یک برهم زدن تمرکز همه ما، این روزها گوشی‌های موبایل است! من کتابی نوشته‌ام به نام «چگونه با تلفن خود قطع رابطه کنیم؟» پس حس قوی نسبت به این موضوع دارم اما می‌توانم تضمین بدهم که به شما خوش نمی‌گذرد اگر دائماسرتان در گوشی باشد. امروز می‌خواهم شما را به چالش بکشم تا گوشی‌تان را تا آنجایی که ممکن است از دست‌تان دور نگه‌دارید تا بتوانید با پیشنهاد دوم هم موافقت کنید که افزایش ارتباط با تعامل بیشتر با انسان‌های بیشتر در زندگی واقعی است.



می‌دانم یکی از دلایلی که دائماسره‌های مادر موبایل است برای اجتناب از وقت گذراندن و تعامل داشتن با انسان‌های دیگر در زندگی واقعی است! پس می‌خواهم به شما اطمینان بدهم که انرژی را دارد، و آنقدری که ممکن است به نظر بیاید سخت نیست. پس اینطور شروع می‌کنید: ارتباط چشمی با یک نفر برقرار کنید. درست در چشمانش نگاه می‌کنید، وسط پیشانی‌تان نگاه نکنید، آنجایی که دوربین در تماس تصویری است. و به او سلام می‌کنید! و اگر خوب پیش رفت می‌توانید خودتان را معرفی کنید. و اگر آن هم خوب پیش رفت، می‌توانید یک سوال از او پرسید، یک سوال که به فکر وادارش کند ولی نه بیش از حد شخصی یا تهدیدآمیز، مثلا «چه چیزی تو را مجذوب خودش می‌کند؟» یا مثلا «چه چیزی امروز تو را خوشحال کرده؟»



و ممکن است شگفت‌زده شوید، از اینکه یک لحظه کوچک ارتباط می‌تواند چقدر به شما حس خوبی دهد.



یکی از دلایلی که به اندازه کافی خوش نمی‌گذرانیم این است که در اولویت قرارش نمی‌دهیم. خوش گذراندن همیشه ته‌لیست برنامه‌های ماست و نمی‌تواند از خودش دفاع کند. من نمی‌گویم تقویم‌تان را برابردارید و برنامه‌ریزی کنید که از ۴ تا ۶ بعد از ظهر شنبه من باید خوش بگذرانم! این یک راه تضمینی خوش نگذران است. اولی اگر بدانید دلتما دارد به شما خوش می‌گذرد وقتی با شخص معینی وقت می‌گذرانید، برای گذراندن وقت با او یک هدف مشخص کنید.



اگر می‌دانید فعلی‌تی هست که واقعا برای‌تان جریان مرتبط با بازیگوشانه‌ای تولید می‌کند؛ زمانی را در برنامه‌تان برای آن خالی کنید. با خوش گذراندن به عنوان چیزی مهم برخورد کنید چون واقعا اینطور است. الان دو سه سالی می‌شود که من این کار را انجام می‌دهم و شگفت‌انگیز است که چطور زندگی من تحت تاثیر خوش گذراندن قرار گرفته. خلاقیتم بیشتر شده، با زهدی بیشتری دارم و قوی‌ترم. بیشتر می‌خندم. اطمینان از اینکه به اندازه کافی خوش بگذرانم من را همسری بهتر، مادری بهتر و دوست بهتری کرده و من را به چیزی متقاعد کرده که امیدوارم بتوانم شما را هم در موردش متقاعد کنم. اینکه حق با دخترم بود. خوش گذراندن مثل نور آفتاب است. عصاره انرژی زندگی ست و هرچه بیشتر تجربه‌اش کنیم بیشتر حس می‌کنیم که واقعا زنده هستیم.



جریان، حالتی است که مادر آن بسیار درگیر و متمرکز می‌شویم روی هر کاری که انجام می‌دهیم که حتی زمان از دست مادر می‌رود. می‌توانید به یک ورزشکار در وسط بازی فکر کنید، یا نوازنده‌ی یک قطعه موسیقی. مهم زمان نیست که در وسط کاری هستیم ممکن است در جریان کار باشیم ولی به ما خوش نگذرد، مثل وقتی که بحث می‌کنید اما نمی‌توانید خوش بگذرانید، اگر در جریان کار نباشید. پس بازیگوشی، ارتباط و جریان همگی به تنهایی حس خوبی دارند. ولی وقتی هر سه را یکجا حس می‌کنیم یک چیز جادویی اتفاق می‌افتد؛ «خوش می‌گذرانیم» و فقط هم حس خوب ندارد، بلکه برای ما مفید است.



خوش گذراندن فایده‌های شگفت‌انگیز زیادی برای ما دارد که من شخصا باور دارم، خوش گذراندن فقط نتیجه ترقی انسان نیست بلکه باعث آن است. برای مثال، خوش گذراندن انرژی را است. وقتی افراد داستان‌هایشان را درباره خوش گذراندن تعریف می‌کنند، انگار آتشی درون‌شان شعله می‌گیرد و انرژی و گرمایی که از خودشان می‌دهند و آگیردار است. زندگی انرژی زیادی از ما می‌گیرد، اما خوش گذراندن دوباره ما را پر می‌کند. خوش گذراندن باعث حاضر بودن ما هم می‌شود. خیلی از ماها برای حاضر بودن بیشتر، خیلی تلاش می‌کنیم - کلاس‌های یوگا شرکت می‌کنیم، مدیتیشن می‌کنیم و این عالی‌ها اما این واقعتا که خوش گذراندن یک حالت جریان داشتن است، یعنی وقتی در حال خوش گذرانی هستیم، ما حاضریم. راه دیگری برای این اتفاق وجود ندارد.



خوش گذراندن ما را متحد هم می‌کند. ما در دنیایی هستیم که قطبی شده و همانطور که همه می‌دانیم، مشکلات جدی بسیاری وجود دارد. ولی وقتی با افراد خوش می‌گذرانیم، آن‌ها را به عنوان احزاب سیاسی، یا از ملیت‌ها یا از مذاهب مختلف نمی‌بینیم. ما به عنوان یک انسان با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنیم، و باید بگویم که این اولین قدم است برای اینکه بتوانیم باهم کار کنیم و آن مشکلات را حل کنیم. خوش گذراندن ما را سالم‌تر هم می‌کند. تنها و مضطرب بودن که بسیاری از ما در دوران کرونا تجربه‌اش کردیم، باعث تغییرات هورمونی در بدن می‌شود که خطر ابتلا به بیماری را افزایش می‌دهد. ولی وقتی خوش می‌گذرانیم، آرام هستیم و از نظر اجتماعی بیشتر در ارتباط هستیم، که هر دو اثر معکوس دارند. خوش گذراندن در سلامت موثر و در نهایت، لذت بخش است. همه‌ی ما به شدت می‌خواهیم شاد باشیم. کتاب درباره شادی می‌خوانیم، برنامه‌درباره شادی دانلود می‌کنیم اما وقتی خوشحالیم که در لحظات خوش گذرانی هستیم، بنابراین باعث می‌شود فکر کنیم که شاید راز خوشحالی بلندمدت داشتن لحظات شادی روزانه بیشتر است.



اگر توانستید با کسی ارتباط برقرار کنید، می‌تواند برای انجام پیشنهاد سوم من به شما ملحق شود؛ یعنی افزایش بازیگوشی یا یافتن فرصت‌هایی برای سرپیچی کردن. البته منظوم سرپیچی در حد «جیمز دین» نیست! من در مورد انحراف بازیگوشانه صحبت می‌کنم. منظوم پیدا کردن راه‌هایی برای شکستن قوانین یک بزرگسال مسئول است و اجازه دادن به خودتان برای تجربه احساس سرگرمی و لذت است.



وقتی شکر بسیار گران و دور از دسترس بود

و صبح‌ها در تورهایشان کالاهایی نظیر زنجبیل، ریواس، چوب‌عود و دارچین می‌یافتند.

در کنار انبوهی از میوه‌ها و ادویه‌جات مقادیری دارو (مانند شکر) نیز در نمایشگاه موجود بود که ایتالیایی‌ها آنها را نیز از مسلمانان می‌خریدند. به عقیده یک پزشک در دهه ۱۵۰۰، «شکر سفید دلپذیر به پاکسازی خون کمک کرده و بدن و ذهن به ویژه قفسه سینه، ریه‌ها و گلو را تقویت می‌کند.» او همچنین اظهار کرده بود: «شکر، دندانها را خراب و آنها را فاسد می‌کند.»

از آن جایی که شکر باید پیش از رسیدن به نمایشگاه از واسطه‌های زیادی می‌گذشت، بسیار گران و دور از دسترس بود. برای مثال شاه هنری سوم انگلستان عاشق شکر بود. با وجود این چندان نمی‌توانست عطشش را برای استفاده از این محصول برطرف کند. وی در سال ۱۲۲۶، به یکی از نجیب‌زاده‌ها نامه‌ای نوشت و خواست در ازای حدود ۴۵۰ دلار امروز سه پوند از این کالای ارزشمند را برای او بخرد. مدتی بعد به شهردار نامه نوشت و خواست در صورت امکان چهار پوند بیشتر از این دانه‌های نادر تهیه کند. در نهایت در سال ۱۲۴۳ توانست سیصد پوند از این محصول را خریداری کند. نمایشگاه‌ها تا سالهای ۱۳۰۰ دوام آوردند. در آن زمان و نیز به واسطه دنیای اسلام بر تجارت اروپا تسلط یافت. ونیزی‌ها تجارت شکر را به شکل گسترده‌ای توسعه دادند تا جایی که صد سال پس از سلطنت هنری سوم انگلیسی‌ها قادر بودند سالانه هزاران پوند از این محصول شیرین را خریداری کنند.

شاید چون اروپایی‌ها از راه‌های مختلف در مسیر چشیدن شکر قرار گرفته بودند، ذائقه‌شان برای این محصول تقویت شد؛ یکی از این راه‌ها جنگ بود...

ادامه دارد...

از کتاب «شکر جهان را تغییر داد» روایتی از سحر، چاشنی، آزادی و علم / نوشته مارک آرونسون، ماریانا بودوس، ترجمه و تنظیم شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی، نشر چشمه



می‌توانستند حجم زیادی فلفل در سوریه خریداری کرده و آن را برای نمایشگاه شامپاین بعدی ببرند. هر آشپزی که کمی فلفل سیاه گران قیمت به غذای خود اضافه می‌کرد می‌دانست که خوراکش طعم سرزمین‌های دور را خواهد یافت. در اواخر سال ۱۳۰۰، ژان دو ژوبیویلی، نویسنده فرانسوی که در حقیقت در دنیای اسلام زندگی می‌کرد، اعتقاد داشت که این ادویه‌جات از باغ‌های خارج عدن می‌آیند که در امتداد رودخانه نیل قرار داشتند. در آنجا مردم تورهای خود را درون رودخانه پهن می‌کردند

و مشجر از دمشق، چیت از موصل و کریشه از غزه. تجار ایتالیایی گاهی اوقات سرتاسر دریای مدیترانه را پاره می‌زدند و به سوریه می‌رفتند. در آنجا می‌توانستند فلفل سیاهی بخزند که در سواحل جنوب غربی هند پرورش می‌یافت. دانه‌های خشک ریز فلفل سیاه یک کالای عالی تجاری بود زیرا کشتی‌های کوچک می‌توانستند مقادیر زیادی از این محصول را که منجر به سودی عالی می‌شد بار بزنند. فلفل از هندوستان به عربستان می‌آمد و از آنجا با کاروان‌های شتر به سوریه حمل می‌شد. ایتالیایی‌ها

زهرا زارعی | خلاصه و تنظیم

بازارها در ماه ژانویه، در لگنی سور من (نزدیکی پاریس) شروع به کار کردند. به مدت دو ماه تجار از نواحی سرد شمال اروپا برای تجارت با دیگر تجار نواحی گرم ایتالیا به آنجا می‌آمدند. پنج شهر فرانسه یکی پس از دیگری نمایشگاه‌های خود را برگزار کردند تا این که آخرین آن در ترویز و ماه دسامبر برگزار شد، این چرخه مجدداً در سال بعد شروع می‌شد.

این نمایشگاه‌ها به خوبی سازماندهی شده بودند. در راهروهای سرپوشیده برگزار می‌شدند و تجار می‌توانستند حتی در زمانی که باران می‌آمد به خرید و فروش بپردازند. زیرزمین‌های آن بسیار بزرگ بودند که شبیه شهرهای زیر زمینی به نظر می‌رسیدند. در این نمایشگاه‌ها تجار می‌توانستند به اندازه‌ها و وزن‌ها اعتماد داشته باشند و همین یک سفارش دقیق را برای فروش اجناس توجیه می‌کرد. در دوازده روز اول یک نفر می‌توانست تنها لباس‌های بافته شده را که از نسوی تجار اروپای شمالی به آنجا آورده شده بودند به فروش برساند. سپس مأموران نمایشگاه در خیابان‌ها راه می‌رفتند و داد می‌زدند «بسته‌بندی کنید، بسته‌بندی کنید» و بعد تمام لباسها می‌بایست جمع آوری می‌شدند. این زمان تجار چرم که از اسپانیا آمده بودند و تجاری که چرم‌هایشان احتمالاً از روسیه آمده بودند، میزهای خود را از پوست و چرم پر می‌کردند.

تجاری که از ایتالیا آمده بودند چیزهایی از جمله پرتقال، زردآلو و انجیر، میوه‌های دانه قرمزی که رنگ قرمز از آن می‌گرفتند و پارچه‌های نادری از پنبه و ابریشم خام را عرضه می‌کردند که از مسلمانان خریداری کرده و در اروپا در دسترس نبودند. بسیاری از پارچه‌هایی که ما امروزه آنها را می‌شناسیم از طریق مسلمانان به اروپا آورده شده بودند و هنوز هم با همان نام اصلشان نامیده می‌شوند؛ حریر گلداز

چگونه هوش مالی کودکان را تقویت کنیم؟

از بطری‌ها کمک بگیرید

درست است که امروزه تمام جابه‌جایی‌های پولی با کارت‌های بانکی انجام می‌شود. اما بهتر است باز برای این که کودک با چشم‌ها و دست‌هایش حضور پول را ببیند و لمس کند از پول‌های فیزیکی کمک بگیرید. چند بطری شیشه‌ای یا پلاستیکی تهیه کنید و هر کدام از آن‌ها را برای هدف مالی کودکانه طراحی کنید. به عنوان مثال یک بطری را برای خرید اسباب‌بازی در نظر بگیرید و روی آن نقاشی اسباب‌بازی خود کودک را بچسبانید. روی دیگری برای آموزش دادن مفهوم پس‌انداز عکس قلک قرار دهید. شروع به پول‌تجویی دادن کنید و از او بخواهید که پول‌های خود را برای خرید هر چیزی که در ذهن دارد در بطری‌های مرتبط بپاندازد تا به اندازه کافی برسد. با این کار صبر کردن و درک بازه زمانی در سرمایه‌گذاری را در مسیر تقویت هوش مالی کودکان به مفاهیم قابل درک برای کودک اضافه می‌کنید.

زندگی در فضای واقعی

بعد از این که این دست‌بازی‌ها را با کودک خود انجام دادید، کم‌کم تلاش کنید تا برای انجام خریدهای کوچک از او کمک بگیرید تا همه چیز مفهومی جدی‌تر برای او پیدا کند. فضای واقعی و رویارویی با فروشنده‌ای که نمی‌شناسد به او کمک می‌کند که به این درک برسد که همیشه شمارا در کنار خود ندارد و گاهی باید خودش تصمیم آخر را برای خرید یا نخریدن و نگهداری از پول بگیرد. تقویت هوش مالی کودک در فضای واقعی باعث می‌شود تا نوع تحلیل‌های ذهنی او با رفتارهای آدم‌های دیگر ترکیب شود و انعطاف‌پذیری مالی و جهت‌گیری درست در موقعیت‌های متفاوت را به‌ویژه بیاموزد.

kiandigital



می‌تواند تا ده بشمرد، برای هر عدد یک انگشت را در شن فروبرد که تا به عدد ۱۰ برسد هر ده انگشتش را در شن فرو برده است. آموزش و تقویت هوش مالی کودکان با حواس پنجگانه بی‌نظیر است.

خرید کاردستی

وجود یک فروشگاه در خانه می‌تواند به کودک کمک کند تا مفهوم ارزش قیمتی اشیا را بهتر درک کند. از نقاشی گرفته تا کاردستی‌هایی که درست می‌کند را خریدار باشید. کارهای او را با قیمت‌های متفاوت خرید کنید و دلیل تفاوت قیمت گذاری را به او توضیح دهید. به عنوان مثال اگر برای یک کاردستی از وسایل بیش‌تری استفاده کرده‌وقت بیش‌تری گذاشته تلاش کنید تا به او بگوییم که به خاطر صرف وقت و وسیله‌ای که کرده است حاضرید که آن را به قیمت خوبی بخرید. تقویت هوش مالی کودک جدا از این که بخواهیم به او مفهوم مثل این که پول چیست و معامله به چه شکل است شامل ارزش گذاری هم می‌شود.

احسان والیان

اعداد آهنگ دار، تقویت چیدمان اعداد

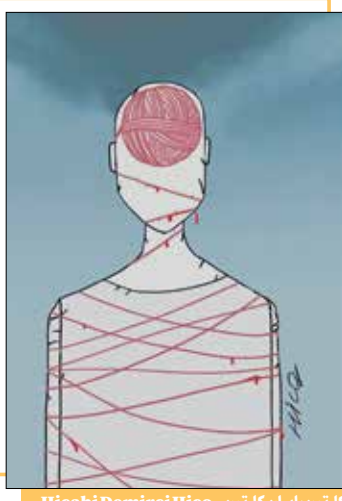
می‌توان از همین توان شمارش ۱ تا ۱۰ یکی از بهترین بازی‌ها را برای درک بهتر شگفتی این ۱۰ عدد اول به کودکان آموخت. در این بازی به اشیا مختلف که کودک به آن‌ها علاقه‌مند است نیاز داریم. اشیا را به صورت صف با تعداد مختلف - از ۱ تا ۱۰، مثلاً در یک صف ۵ تا، در صف‌های دیگر هم تعدادی دیگر، دقت کنید که تعداد هر صف از ۱۰ تا بیش‌تر نشود - به صورت دایره‌وار در فضای خانه می‌چینید و سپس آهنگ مورد علاقه کودک را پخش می‌کنید. در مدت پخش آهنگ، کودک به شمارش هر صف می‌پردازد. بعد از مدتی آهنگ را نگه می‌دارید و یک عدد را اعلام می‌کنید. او باید به دنبال صفی بگردد که تعداد اعلام شده از اشیا در آن باشد. هیچ عجله‌ای برای اعلام نتیجه نداشته باشید. به قول خودمان روی اعصاب کودک نروید که «بدو! زود باش!». بگذارید فرصت وبدون اضطراب صف مورد نظر را پیدا کند.

جعبه‌های شنی، لمس اعداد

بعضی از عدد لازم برای درک مسائل انتزاعی مانند اعداد در بدن ما تا سن ۵ سالگی به طور کامل تشکیل نمی‌شوند. کافی است تا به حرکات کودک دقت کنیم تا متوجه شویم که حس لامسه پرنزگ‌ترین حس برای درک محیط اطراف برای او است. جعبه‌هایی که عمق تهیه کنید و آن‌ها را با شن پر کنید. اصلاً قرار نیست نوع نوشتن اعداد را به کودکان یاد دهیم. به هیچ عنوان به طرف چنین آموزشی نروید. تنها از کودک می‌خواهیم که به تعداد اعدادی که بلد است بشمرد انگشتان اش را در شن فروبرد. به عنوان مثال اگر



خالد عبدالعزیز - مصر ایران کارتون



کارتون: ایران کارتون Hicabi Demirci Hico